

تحلیلی بر فرهنگ حجاب در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

هادی وحدانی فر^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵

زکيه بیگم حسینی^۲

چکیده

فرهنگ حجاب از دیرباز یکی از شعایر مهم دینی و به عنوان یک اصل منقول و معقول برای حفظ شخصیت زن و حریم خانواده در ادیان مختلف مطرح بوده است. اهمیت مسئله حجاب به گونه‌ای است که علاوه بر این که جایگاه زن را در امور فردی و اجتماعی تعالی بخشیده، نقش به سزایی در کنترل غرایز جنسی و جلوگیری از تزلزل بنیان خانواده و گسترش مفاسد اجتماعی دارد؛ از این رو با توجه به نقش ارزنده حجاب و عفاف، استکبار جهانی غرب در صدد جایگزینی و ترویج فرهنگ برهنگی و بی‌حجابی به بهانه آزادی و حقوق زن برآمده است. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی ضمن جمع‌آوری بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به همراه استدلال‌های نقلی و علمی به تبیین و اثبات نقش حجاب پرداخته است تا بتواند با تبیین نقش انتخاب‌گرایانه معقول حجاب، هیاهوی فریب حجاب اجباری را نفی کند. مقاله حاضر معتقد است؛ آیت‌الله خامنه‌ای حجاب را مسئله‌ای ارزشی و منطبق بر طبیعت انسان دانسته که از اختلاط بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه جلوگیری می‌کند و ریشه مبارزه‌ی غرب را با فرهنگ حجاب «تمایل گسترش فرهنگ منحط و انحرافی خود در سطح جهان» و «نگاه ابزارگونه به جنس زن» و «مسلط شدن فرهنگ غربی در نابودی دین مردم» و «بی‌دین کردن مردم» می‌داند؛ همچنین ایشان با بر شمردن فواید حجاب و عفاف؛ از جمله «امنیت زن و مرد»، «احترام تکریم و تشخص زن»، «کنترل غرایز جنسی» و «استحکام خانواده» بر لزوم ایستادگی در مقابل فرهنگ ابتذال و برهنگی غرب و پناه‌گویی‌های غریزده‌ها تأکید می‌ورزند.

کلید واژه‌ها: فرهنگ حجاب، غرب، آیت‌الله خامنه‌ای، دشمن، مبارزه، فواید.

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده حقوق و الهیات- گروه معارف اسلامی (نویسنده مسئول):

hadivahdani@uk.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم قم: zbh.atlas214@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

حجاب به عنوان یکی از بزرگترین و مهمترین شعائر دینی در ادیان توحیدی؛ از جمله تورات، انجیل، دین مزدیسنا، زرتشتیان قدیم (پاک‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۲-۲۷) و قرآن بیان شده است. همچنین آثار به جا مانده از ایران قدیم، مشهود است که زنان ایران باستان حتی قبل از ورود اسلام به این سرزمین از حجاب کامل و منحصر به فردی برخوردار بودند تا جایی که در هیچ کجای تاریخ چند هزار ساله‌ی ایرانیان، زنان را با ظاهری برهنه و یا نیمه عریان وصف نکرده است؛ به همین جهت برخی از نویسندگان و فلاسفه‌ی غرب نیز اذعان دارند که نقش پوشش و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته بوده که می‌توان ایران را منشأ اصلی پراکندن حجاب در جهان دانست (ویل دورانت، ج ۲، ۱۳۷۸: ۷۸).

مدارک مستدل گویای این حقیقت است که قبل از ظهور اسلام طی قرون متمادی زنان ایرانی چون زنان ملل متمدن دیگر، بنا بر اقتضای فطرت انسانی، عقل سلیم و تعالیم مذهبی خود، مزین به زینت حجاب بوده‌اند تا جایی که در دوره‌ی ساسانیان «زنان طبقات بالا حق نداشتند جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد آشکارا با مردان آمیزش کنند» (همان: ۱۰۲). نقوش برجسته و مجسمه‌های باقی مانده از آن دوره‌ها نیز بر این واقعیت صحه می‌نهد (ضیاء پور، بی‌تا: ۵۱-۵۶). تعهد دختران ایرانی، قبل از اسلام به حجاب چنان بوده است که چون پس از شکست ساسانیان از اعراب مسلمان، سه تن از دختران شاه ایران را نزد عمر خطاب می‌آوردند، این دختران حتی با دستور و تهدید او نیز حاضر به گشودن چهره‌ی خود در برابر مردان نمی‌شوند (حلبی شافعی، بی‌تا، ج ۲: ۲۳۴).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز حجاب را برای ایرانیان میراث هزاران ساله دانسته و ملت ایران را حتی قبل از ورود اسلام به این سرزمین، ملتی عفیف و نجیب معرفی می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲)؛ که این امر حاکی از وقار و متانت زنان ایرانی قبل از ورود اسلام است.

بزرگ‌ترین مأخذی که می‌توان وضع زنان را پیش از اسلام در آن‌ها بررسی کرد، «شاهنامه» است. در شاهنامه‌ی فردوسی به عنوان تاریخ تمدن ایرانی، به حجاب و عفت زنان توجه خاصی شده است و زنان بسیاری با این ویژگی برجسته توصیف شده‌اند که «شیرین» (شاهنامه، داستان

پادشاهی شیرویه)، «تهمینه» (شاهنامه، داستان رستم و تهمینه) و «منیژه» (شاهنامه، داستان بیژن و منیژه) از آن جمله‌اند. از داستان‌ها و نوشته‌های شاهنامه چنین برمی‌آید که همسران بزرگان، در حرمسرا بوده و دور از چشم دیگران می‌زیسته‌اند؛ در حالی که زنان طبقات پایین‌تر جامعه از آزادی بیشتری بهره‌مند بوده‌اند. بعد از ورود اسلام به ایران، زنان مسلمان ایران تحت تاثیر احکام اسلامی همچنان از فرهنگ حجاب و عفت پاسداری کردند و با پوشش‌هایی مانند روسری و چادر بلند به حجاب (نور: ۳۰، احزاب: ۵۹) و دوری از اختلاط (نور: ۳۰) و دلربایی (احزاب: ۳۲) جلوه‌گری (احزاب: ۳۳) با مردان نامحرم پای‌بند بودند. منتها دیگر این حجاب برای قشر اشراف نبود؛ بلکه برای همه زنان مسلمان با احکام مخصوص به خود مورد تشویق قرار گرفت؛ چنان‌که آیات حجاب و عدم اختلاط زنان و مردان نامحرم (نور: ۳۱-۳۰) و جلوه‌گری آنان (احزاب: ۳۳) بر این امر تأکید دارد؛ در واقع می‌توان گفت که دین اسلام حجاب را یکی از مصادیق احکام دین حنیف و الگویی منطبق بر خلقت، عقل و فطرت معرفی می‌کند؛ چنان‌که آیه‌ی فطرت الله می‌تواند احکام دین حنیف باشد (روم: ۳۰). این طرز تفکر و این رویه‌ی حفظ حجاب تا دوران ناصرالدین شاه ادامه داشته و با ورود فرهنگ غرب به کشور و علاقه‌مندی حکام ایرانی به فرهنگ غرب و عدم پوشش زنان آنان، کم‌کم رگه‌هایی از بی‌حجابی در میان برخی زنان اشراف مشهود شد. آیت‌الله خامنه‌ای، شاهزاده‌ها و رجال دربار قاجار را از اولین کسانی می‌داند که در مواجهه با موج به اصطلاح «مدرنیته» فرهنگ غربی و پیشرفت‌های غرب، مات و مبهوت شده و به جای تلاش در جهت پیشرفت ایران به تقلید محض از غرب پرداختند و رشد و توسعه‌ی ایران را در سر تا پا غربی شدن ایران دانستند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸) از سویی سرنوشت زن ایرانی هم‌زمان با نهضت مشروطیت تا حدودی به سمت بی‌حجابی متحوّل شد و استدلال‌های مخالفان حجاب در قالب شعر که نقش فرهنگی و تبلیغاتی داشت، ظهور کرد؛ چنان‌که گفته شده است در این عصر به موازات تفکر سنتی رایج درباره‌ی زنان، نگرشی نوین تحت تاثیر ارتباط با جوامع غربی و نفوذ فرهنگ و تمدن اروپایی پدید آمد و در قالب انتقادهای اجتماعی از وضعیت زنان در شعر تجلی یافت. سخن از حقوق و آزادی زنان، حضور آنان در اجتماع و حق شرکتشان در انتخابات از مصادیق تجلی این نگرش جدید در شعر است (ابراهیمی، توکلی محمدی، ۱۳۹۴: ۷۹). از مخالفان حجاب می‌توان به شاعرانی؛ از جمله ابوالقاسم لاهوتی در شعر معروفش «دختر

ایران»^۱، میرزاده عشقی در شعر «کفن سیاه»^۲ و ملک الشعرای بهار در قصیده «زن شعر خداست» که در سال ۱۳۰۷ سروده شده است، اشاره داشت. ملک الشعرا در این شعر با اشاره به مسئله تعدد زوجات و منع مردان از آن، در نهایت نتیجه می‌گیرد:

نشود منقطع از کشور ما این حرکات
تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد
(بهار، ۱۳۸۱: ۳۶۸).

هر چند در مقابل این توجیهاتی که در رفع حجاب مطرح شد، برخی دیگر از شاعران همچون هاتف اصفهانی^۳، شهریار^۴، أوحدی مراغه‌ای^۵ و نسیم شمال، حجاب را ستوده و به دفاع از آن پرداخته‌اند؛ چنان‌که نسیم شمال حجاب را مقدم بر تحصیل علم می‌داند و معتقد است که حجاب با دین اسلام پیوند تنگاتنگ دارد و نمی‌توان آن را ندیده گرفت، برای همین می‌سراید:

یک چادری از عفت و ناموس به سر کن
آن گاه برو مدرسه تحصیل هنر کن
خود را ز کمالات هنر نور بصر کن
چون دختر بی‌علم نزد همه خوار است
(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۳۰۹)

این جریان تشویق به بی‌حجابی همچنان ادامه داشت تا این که رضاشاه پهلوی در بهار سال ۱۳۱۳ شمسی به ترکیه سفر کرد. ملاحظه‌ی اوضاع اجتماعی آن دیار و وضعیت زنان در آنجا - و شاید برخی دلایل استعماری دیگر- او را به این توهم انداخت که گویی تمام محرومیت‌های زنان ایرانی ریشه در حجاب آنان دارد؛ به طوری که در ۱۷ دی سال ۱۳۱۴ فرمان رفع حجاب را صادر کرد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲). سخنان رضاشاه در همان روز، از سویی گواه محرومیت و سختی‌هایی است که زنان ایرانی در دوران گذشته پشت سر گذاشته‌اند و از سویی مؤید توهمی است که بدان اشاره کردیم؛ زیرا راهی که رضاشاه شروع کرده بود نیز، خود نوعی تحقیر و اهانت به زنان و سوق دادن آنان به تباهی و اسارت بیشتر در شهوات محسوب می‌شود (رزمجو، ۱۳۶۹:

۱- ای دختر نامدار ایران
چون دخترکان اوزبکستان
۲- ور نه تا زن به کفن سر برده
۳- خوب کردی که رخ از آینه پنهان کردی
۴- دارد متاع عفت از چار سو خریدار
۵- زن مستور، شمع خانه بود

از روی خود این نقاب بردار
چادر بنه و کتاب بردار (لاهوئی، ۱۳۵۸: ۶۴۹).
نیمی از ملت ایران مرده (عشقی، ۱۳۵۷: ۲۱۹).
هر پریشان نظری لایق دیدار تو نیست.
بازار خودفروشی این چار سو ندارد.
زن شوخ آفت زمانه بود.

(۱۴۱). آیت الله خامنه‌ای در این باره بیان می‌دارند که رضاخان قلدر به جای اینکه از غرب علم و پیشرفت را برای مردم کشورش به ارمغان بیاورد، کشف حجاب را به زور سر نیزه به ارمغان آورد (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۲/۱۲) و پیشرفت کشورش را در نوع پوشش مردم و تقلید در ظواهر غربی یافت و به جای تقلید در دانش‌آموزی و دانش‌اندوزی، مردم را به پوشش‌های خاص و کشف حجاب ملزم ساخت و این امر نه تنها خسارتی بزرگ برای کشور بوده؛ بلکه مایه‌ی شرمندگی و حرکت به سوی بیراهه‌ای آشکار گشت (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷). با پیروزی انقلاب اسلامی و اتمام دوره‌ی ننگین و تاریک پهلوی دریچه‌ای از رشد و معنویت برای بانوان متدین کشور گشوده شد. به نحوی که آنان توانستند با حفظ حجاب و عفت خود پا به عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی و هنری بگذارند و بدون ترس از محیط اجتماع به فعالیت بپردازند؛ اما با این وجود دشمن دست بردار نبوده و این بار برای القای فرهنگ انحرافی خود متوسل به روش‌های جدید با هزینه‌های بسیار شد. روحیه کشورگشایی و چپاول‌گری دشمنان استعماری غرب باعث شده که آنها همواره به دنبال غارت سرمایه‌های ملی کشورهای دیگر باشند، ایران اسلامی نیز از این غارت و تهاجم بی‌نصیب نبوده، یکی از مهمترین اقدامات دشمن در مبارزه با فرهنگ و هویت کشورهای اسلامی، «جنگ فرهنگی» و «تهاجم فرهنگی» است؛ که به طور کلی در ادبیات سیاسی، نظام سلطه برای این‌که بتواند ملتی را اسیر کند، فرهنگ خودش را به زور تحمیل می‌کند که این کار را «تهاجم فرهنگی» می‌گویند؛ آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: «تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌ای چیزهای تازه‌ای را [به زور] وارد آن کشور و آن ملت می‌کند و قصد آن، جایگزین کردن آن‌ها با فرهنگ و باورهای ملی است [که] این، اسمش تهاجم است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱)؛ از این رو، آیت الله خامنه‌ای با توجه به همین تهاجم به تبیین و ترویج فرهنگ حجاب و عفاف پرداخته است و از آن به طور صریح و متقن دفاع کرده است.

هدف و پرسش تحقیق

می‌توان گفت که حجاب به عنوان یکی از بزرگترین و مهمترین شعارهای دینی در ادیان الهی

خصوصاً در دین اسلام مطرح شده است که با توجه به جایگاه مهم فرهنگ حجاب و حیا در هویت بخشی شخصیت زنان مسلمان و تحکیم بنیان خانواده در تربیت فرزندان و نقش شوهرداری آنها و مسئولیت های اجتماعی که در قبال آنان برقرار است دشمن استعماری در صدد حذف حجاب و بی عفت کردن زنان است؛ به گونه ای که اخیراً با القای حجاب اجباری در صدد ناکارآمدی فرهنگ حجاب برآمده اند؛ از این رو، نیاز اساسی است که این موضوع از سوی رهبر معظم انقلاب در جایگاه فرمانده کل قوا و بالاترین دیده بان شرعی و قانونی در عرصه ی تهاجم نظامی و فرهنگی مورد تحقیق و پژوهش قرار گیرد تا در نهایت دریافته شود که اختلاف ما با غرب در مسئله حجاب، اختلافی بنیادی و ریشه ای است که دشمن با القاء بی فایده و اجباری خواندن حجاب و متحجرانه دانستن آن در صدد حذف کارایی مفید بانوان در حوزه فردی و اجتماعی و تخریب بنیان خانواده است. استکبار جهانی در ممالک خودشان فرهنگ برهنگی و بی حجاب را آزادی و دموکراسی و مدرنیته دانسته اند و برخی نیز عالمانه و جاهلانه به دام فرهنگ غرب افتاده و در گسترش ترویج بی حجابی از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند؛ حال سخن این است که مقام معظم رهبری در دفاع و ترویج فرهنگ حجاب در برابر فرهنگ بی حجابی و بی بندوباری غرب چه راه کارهایی شناختی و عملی را ارائه کرده اند. در این خصوص پاسخ به چند سؤال اساسی به شرح ذیل قابل تحقیق و پژوهش است:

۱- از نظر آیت الله خامنه ای دلایل مبارزه غرب با فرهنگ حجاب چیست؟

۲- فواید و آثار برآمده از حجاب در اندیشه آیت الله خامنه ای چیست؟

پیشینه ی موضوع

هر چند در منابع اسلامی همچون قرآن کریم (نور: ۳۱، احزاب: ۵۹) و روایات اسلامی به اثبات، اهمیت و فواید حجاب پرداخته شده است و از سوی همسران پیامبران الهی و زنان مسلمان مورد اجرا واقع گشته؛ اما می توان گفت: موضوع مقاله از سه واژه فرهنگ، حجاب، آیت الله خامنه ای تشکیل شده است که در هر سه مورد تحقیقاتی بسیاری منتها بدون ترکیب آنها با هم؛ بلکه با ترکیب واژگان دیگر تحت عنوان کتاب، پایان نامه (ارشد و دکتری) و مقاله تنظیم شده است که به طور اجمال می توان به بخشی از آنها اشاره داشت:

۱- کتاب‌ها: الف: کتاب مسئله حجاب، اثر مرتضی مطهری؛ ب: راه‌های تقویت فرهنگ حجاب، اثر عباس رجبی؛ ج: پوشش حجاب اسلامی و چالش‌ها و راه‌کارها با رویکردی مهندسی فرهنگی، اثر حسن بنیانیان، د: کتاب حجاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، اثر شهید دکتر سیدرضا پاک نژاد.

۲- پایان‌نامه‌ها: پایان‌نامه‌ای در این رابطه به نگارش درنیامده است؛ اما پایان‌نامه‌های دکتری در مورد فرهنگ، حجاب و آیت‌الله خامنه‌ای به طور مستقل با مضامین دیگر به رشته تحریر درآمده است؛ مانند: الف: معنابخشی عاشورا در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، علیرضاتنهایی، ۱۳۹۷، دانشگاه علامه طباطبایی؛ ب: فرهنگ سیاسی مطلوب در نهج البلاغه، حسن زارعی محمودآبادی، ۱۳۹۳، دانشگاه علامه طباطبایی؛ ج: پنداشت زنان ایرانی درباره حجاب بر اساس کنش متقابل نمادین، زهرا آبیاری، سال ۱۳۹۸، دانشگاه ادیان و مذاهب؛ د: چگونگی حجاب در عصر نزول قرآن تحلیل و نقد دیدگاه‌ها، محمدرضاشاه سنایی، ۱۳۹۵، دانشگاه قرآن و حدیث قم؛ ه: انقلاب اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، امیرسیاه پوش، ۱۳۹۵، دانشگاه معارف اسلامی.

۳- مقالات: در مورد مقالات آنچه نزدیک به پژوهش حاضر است وجود مقالات علمی پژوهشی پیرامون فرهنگ حجاب است؛ اما مقاله‌ای با توجه به نظر امام خامنه‌ای تنظیم نشده است؛ مانند: الف: نقش رسانه‌های جمعی در گسترش فرهنگ حجاب و عفاف زنان، مهرداد متانی، مجله زن و فرهنگ، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۳۲، صص ۴۶-۳۷؛ ب: نقش حجاب زنان در سلامتی روانی اجتماع و راه‌کارهای مقابله با فرهنگ بدحجابی، سحر صفرزاده، مجله زن و فرهنگ، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۲، صص ۷۲-۵۹؛ ج: ریشه‌یابی عوامل مؤثر، بر توسعه فرهنگ حجاب و عفاف و ارزیابی راهبردهای نقشه مهندس فرهنگی، سیدمازیار علوی و نویسندگان دیگر، مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۳۷، صص ۴۷-۷؛ د: بررسی نقش مدارس اسلامی در تقویت فرهنگ حجاب از منظر سرمایه اجتماعی، ابوالفضل شکوری و جلیل دارا، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱۵، صص ۹۸-۷۱.

هر چند این پژوهش‌ها قابل تقدیر و تشکر است؛ اما متأسفانه با وجود اهمیت مسئله حجاب و نقش راهبردی آن از نظر شخصیت فقهی و حکومتی آیت الله خامنه‌ای تحقیق مطلوب و شایسته‌ای تحت عنوان «تحلیلی بر فرهنگ حجاب از نظر آیت الله خامنه‌ای» صورت نگرفته است تا بتواند پیروان مکتب انقلابی را در جهت شناختی و عملی تقویت کند. خصوصاً این سه واژه کلیدی می‌تواند فراز و نشیب دشمنی غرب و جهالت مدرن را بیشتر روشن کند؛ زیرا این سه واژه نقش بسیار مؤثری در ساختار اجتماعی، فرهنگی و ارزش‌های اسلامی و ملی در حوزه‌های امنیت فردی و اجتماعی، اعتقادی و دفاعی در مقابل فرهنگ ابتدال غرب دارد.

مفاهیم پژوهش

الف: معناشناسی فرهنگ

فرهنگ در ادبیات فارسی به معنای علم، دانش، ادب، عقل و خرد و مجموعه‌ی آداب و رسوم و باورهای یک قوم از حیث نژاد و دین و امور اجتماعی است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۱۱۷). برخی گفته‌اند: واژه فرهنگ از دو جزء به نام «فر» به معنی شکوه، شایستگی، زینت، حشمت و دولت و «هنگ» به معنای شخصیت، شرافت، فضیلت، دانش، آگاهی و هوش تشکیل شده است و هر کدام به تنهایی در اشعار و ادبیات فارسی به کار برده شده و دارای معانی متعددی؛ از جمله: آگاهی، دانش، تجربه، درک، تیزبینی و دریافت، شکوه و شایستگی شرافت، شخصیت و فضیلت است (ر.ک، برومند سعید، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۶).

علامه جعفری فرهنگ را در فرهنگ‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌های مشهور شرقی و غربی همچون فرهنگ فارسی، عربی، یونانی، فرانسوی، آلمانی، آمریکایی، روسی، ژاپنی چینی و هندی موردپژوهش قرار داده است (ر.ک، جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۲۳)؛ این تحقیقات نشان از اهمیت و توجه به فرهنگ و فرا منطقه‌ای بودن و گستره‌ی معنایی و مصداقی آن است. در این خصوص، تامپسون (تامپسون، ۱۳۷۸: ۱۵۷)، کروبر و کلاک هون (سلیمی، ۱۳۷۹: ۲۷)، تایلور (آشوری، ۱۳۵۷: ۳۷)، مایرس (همان: ۴۴)، هرسکووتیس (همان: ۵۱ و ۴۹) و اسمال (همان: ۵۳) نیز معانی عام و خاصی از فرهنگ ارائه کرده‌اند.

واژه‌ی «فرهنگ» از نظر آیت‌الله خامنه‌ای به معنای عام استعمال شده است که دربرگیرنده‌ی مطلق برنامه‌های اعتقادی، ایمانی، گفتاری و رفتاری یک ملت و یک جامعه است و معتقدند: «فرهنگ؛ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سروکار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکت و اعمال آن‌هاست.» (خامنه‌ای، ۱/۰۱/۰۱/۹۳) در این تحقیق فرهنگ از نظر آیت‌الله خامنه‌ای به معنای عام، برنامه نظری و عملی در حوزه اسلامی و ملی بوده است که واژه حجاب یکی از مصادیق مهم و کاربردی فرهنگ عملی است.

ب: معناشناسی حجاب

حجاب در لغت به معنای ستر [پوشش، پنهان] (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۹۹) و منع از وصول او دخول در چیزی] است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق: ۲۱۹) در قرآن کریم نیز واژه حجاب بدون الف و لام در چهار آیه در مواضع مختلف؛ از جمله حجاب بین بهشتیان و جهنمیان، (اعراف: ۴۶) نوع تکلم خدا با بشر یعنی من وراء حجاب (شوری: ۵۱)، شیوه درخواست و سؤال مردم از زنان پیامبر (احزاب: ۵۳) و دعوت پیامبر و حالت قلب مشرکان (فصلت: ۵) به کار برده شده است که همگی به معنای مانع، پوشش، پرده و واسطه است. در روایات اسلامی نیز همین معانی آمده است (هلالی ۱۴۰۴: ج ۲، حدیث: ۸۱۴/۸۷ و حدیث: ۸۵۸/۴۷، برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، حدیث: ۶۰/۱۰۱). استاد مطهری می‌گوید: به ابرو از آن جهت که مانعی برای چشم در برابر شعاع خورشید است، حجاب گفته می‌شود؛ بر این اساس حجاب مانع ملاقات طرفین با یکدیگر از راه لامسه و باصره می‌شود و در اصطلاح فقهی حجاب پوشش زن در برابر بیگانه است؛ و در کتب فقهی از واژه حجاب به این معنا کمتر استفاده شده و برای بیان این مقصود از واژه «ستر» و «پوشش» بیشتر استفاده کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۹). همچنین در قرآن کریم از واژه‌های «خُمْرِهِنَّ» [اروسری] (نور: ۳۱) و «جَلَابِیْبِهِنَّ» [اروسری‌های بلند] (احزاب: ۵۹) برای حجاب استفاده شده است که به نام آیات حجاب معروف است و آنان نیز به معنای ستر و پوشش و یا نوع ستر و پوشش به کار برده شده است؛ چنان‌که راغب اصفهانی می‌گوید: «اصل الخمر ستر الشيء و يقال لما یستر به خمار» اصل خمر پوشاندن چیزی است، و به هر چیزی که با آن و بوسیله آن پوشانده می‌شود خمار می‌گویند و خمار در عرف اسمی است برای چیزی که زن سرش را با آن می‌پوشاند

و جمع آن خُمُر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۹۸). علامه طباطبایی در تفسیر کلمه «خُمُرِهِنَّ» می‌گوید؛ خُمُر جمع خمار است، و خمار جامه‌ای است که زن سر خود را با آن می‌پيچد و زاید آن را به سینه‌اش آویزان می‌کند و مراد از جیوب، سینه‌ها است، و معنایش این است که ای پیامبر به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته آن را ببوشانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱۲/۱۵-۱۱۱). طبرسی نیز همین معنا را یعنی روسری و مقنعه اراده کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲۱۷/۷)؛ اما در مورد معنای جلابیب که به معنای نوع پوشش است در میان اندیشمندان اسلامی با اختلاف معنایی روبرو است، چنان‌که ابن اثیر می‌گوید؛ منظور إزار و رداء است و به معنای ملحفه و مقنعه (که زن سر و جلو و پشت سینه را می‌پوشاند) نیز نقل شده است (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷: ج ۲۸۳/۱) فیومی نیز منظور از جلاباب را پیراهن و لباسی می‌داند که از خمار [روسری] بلندتر و از رداء کوچکتر است و همچنین بیان می‌دارد که ابن فارس می‌گوید: او پیراهن و غیر پیراهن است که پوشیده می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۰۴/۲)؛ راغب اصفهانی می‌گوید: الْجَلَابِيبُ؛ القمص و الخُمُر؛ یعنی پیراهن‌ها و مقنعه‌ها [روسری‌ها] است (راغب اصفهانی، همان: ۱۹۹) و علامه طباطبایی می‌گوید کلمه «جلابیب» جمع جلاباب است، و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند، و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را می‌پوشاند، و منظور از آیه قرآن که می‌فرماید: «مقداری از جلاباب خود را پیش بکشند» این است که آن را طوری ببوشند که زیر گلو و سینه‌هایشان در انظار ناظرین پیدا نباشد. از سویی طبرسی اقوال مختلف را که به معنای دوم یعنی خمار و مقنعه نزدیک است، بیان داشته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵۸۰/۸) همچنین علامه طباطبایی در ادامه تفسیر آیه جلابیب می‌گوید: منظور از «ذَلِكِ ادْنَىٰ اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَنَنَّ»؛ یعنی زنان با پوشاندن همه بدن خود به زنان اهل عفت و حجاب و صلاح و سداد نزدیک‌تر می‌شود و به آن شناخته می‌شود در نتیجه وقتی به این عنوان شناخته شدند، دیگر از سوی اهل فاسق و فجور اذیت نمی‌شوند، از سویی علامه نظر صاحب کشف را که حجاب را برای شناسایی زنان مسلمان از زنان یهودی، نصارا و کنیزان دانسته، صحیح نمی‌داند (طباطبایی، همان، ج ۳۴۰/۱۶-۳۳۹). هر چند جبابی و طبرسی نیز وجه پوشش زنان مسلمان را نشانه حُر و آزاد بودن زن نسبت به کنیزان می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵۸۱/۸)؛ که این نشانه احترام و عفت زنان آزاد است. به نظر می‌رسد طبق استعمالات مختلف واژه حجاب به

عنوان پوشش در میان عرف علم گشته است که بیشتر به چادر مشکی تبادر می‌کند در حالی که غیر چادر را نیز شامل می‌شود؛ اما چادر پوشش و حجاب کامل است؛ در استعمالات قرآنی نوع و کیفیت پوشش و مانع دیده شدن طبیعت زیبای زنانه را بیان داشته و آنان را مکلف کرده‌اند که برخی محل زینت زنانگی را از نگاه نامحرم دور بدارند. از این رو آیت‌الله خامنه‌ای طبق همین معنای پوشش و مانع، در فلسفه آن می‌فرماید حجاب به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶)؛ و در جای دیگر بیان می‌فرماید که حجاب جزء فروع دین است که نفس حرمت جنسی ملاک آن است؛ بنا بر این؛ منظور من از حجاب چادر سیاه و روگیری نیست؛ بلکه نفس مقوله‌ی حریم جنسی، یعنی بین دو جنس حریمی وجود داشتن، یک اصل است و این مقوله، در زمان‌ها، مناسبت‌ها و جاهای مختلف، شکل‌های مختلفی پیدا می‌کند؛ اما نفس این حریم، یکی از اصول تفکر اسلامی ماست (۱۳۷۱/۰۹/۰۴). و در جای دیگر چادر را نماد زن ایرانی معرفی می‌کنند. (۱۳۹۷/۰۷/۰۲)؛ بنا بر این، به طور کلی در فرهنگ اسلامی حجاب همان ستر و پوشش شرعی است که اعم از چادر، روسری، مانتو و دامن را در مقابل نامحرم شامل می‌شود به گونه‌ای که زینت‌های زنانه زن اعم از گوش، گردن، مو، سینه و اندام زن را به جز صورت، کف دو دست و پا را بپوشاند؛ بنا بر این، علاوه بر این که یکی از شعایر و نمادهای مهم در اسلام بوده، از نتایج و مظاهر ایمان نیز محسوب می‌شود و در حکم حائلی است که از تعدی نامحرمان به حریم خصوصی بانوان جلوگیری می‌کند و در پناه آن امنیت زنان و مردان و در نهایت امنیت جامعه نیز تأمین خواهد شد؛ همچنین می‌توان گفت: حتی در معنای باطنی حجاب به معنای مانع باید زن و مرد از جلوه‌گری، دلربایی و چشم‌چرانی به دور باشند؛ زیرا این اعمال مانع از اختلاط زن و مرد می‌شود.

روش پژوهش

این تحقیق به شیوه‌ی «توصیفی-تجزیاتی» انجام شده، به عبارتی این تحقیق با استفاده از جمع‌آوری و تهیه‌ی کتب و یادداشت‌برداری و مراجعه به سایت‌های معتبر مطالب مورد نیاز، به روش «توصیفی-تجزیاتی» به تحلیل داده‌ها پرداخته است. لازم به ذکر است که تحقیق توصیفی، آنچه را هست، توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط و روابط موجود، عقاید متداول،

فرآیندهای جاری، آثار مشهود یا روندهای در حال گسترش توجه دارد و شامل جمع‌آوری اطلاعات برای آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه، قرار می‌گیرد.

اجرای تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌تواند منجر به شناخت دقیق مسئله پژوهش و یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری شود. همچنین از آنجا که در تحقیقات اسلامی، پردازش اطلاعات جمع‌آوری شده، از مهمترین و اساسی‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار می‌آید؛ پژوهش حاضر سعی دارد ضمن مطالعه‌ی دقیق بیانات رهبری در زمینه‌ی فرهنگ حجاب و عفاف به بیان فواید آن اشاره کند

یافته‌های تحقیق

در اینجا نیاز است که سؤالات و اهدافی که در تحقیق مشخص شد؛ مورد پژوهش قرار گیرد تا بتوان به درک صحیحی از اندیشه فرهنگ حجاب از نظر آیت الله خامنه‌ای دست یافت. در اینجا ابتدا به بررسی ریشه‌های دشمنی غرب و استکبار جهانی با حجاب و ارزش‌های اسلامی و سپس به فواید حجاب پرداخته می‌شود.

۱- ریشه‌ی دشمنی غرب با فرهنگ حجاب اسلامی

می‌توان گفت: غرب درصدد استعمار و بهره‌کشی از دیگر کشورهاست تا بدین وسیله بتواند رفاه مادی خود را تامین کند و برای حصول این مطلوب باید بتواند نیروی مفید در جوامع را تضعیف کند که این امر فقط با فساد جوامع میسر خواهد شد و فساد جامعه نیز در گروهی فساد زنان است، همان‌گونه که امام خمینی (ره) فرمودند: «اگر زنان انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد» هدف دشمن نیز تحقق همین فساد همه‌گیر در جوامع اسلامی است.

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری دلایل مبارزه غرب با فرهنگ حجاب را می‌توان از جهاتی به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد.

۱-۱- گسترش فرهنگ غرب در جهان

غرب به خصوص آمریکا و پیروان اروپایی با توجه به قدرت نظامی، اقتصادی و نفوذ

تبلیغاتی، مدعی است که باید نظامی تک قطبی در جهان اتفاق بیفتد و مسیر جهانی شدن فرهنگ غرب هموار شود؛ از این رو، یکی از موانع مهم را در این راستا، حجاب بانوان می‌دانند؛ زیرا آنان تنها پتانسیل و محرک پر قدرت جوامع شناخته شده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای این سناریوی خطرناک از پیش طراحی شده‌ی فرهنگ غرب را به عنوان اصلاحات آمریکایی رسوا می‌کنند. ایشان معتقدند که غرب با وجود ادعای آزادی و آزاداندیشی در مقوله‌ی فرهنگ به شدت متعصبانه رفتار می‌کنند و فرهنگ خود را استاندارد جهانی معرفی کرده و سایر کشورها؛ از جمله ایران را موظف به پیروی و تطبیق با این استاندارد جهانی می‌دانند؛ بنا بر این، با حجاب به دلیل مخالفت آن با استانداردهای جهانی خود، به نحو سخت‌گیرانه‌ای برخورد کرده و مقابله می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۵/۰۷)؛ همچنین بیان می‌فرمایند: جهان غرب معیار پذیرش انسان‌ها را موافقت و یا عدم موافقت آنان با فرهنگ غرب می‌دانند و معتقدند که هر انسانی در هر مرتبه و مقامی که باشد، اگر فرهنگ غرب را نپذیرد، از سوی آنان قابل قبول نبوده و طرد خواهد شد؛ و در مقابل افرادی که با فرهنگ غرب موافق باشند؛ ولو مستبد، آدم‌گش و یا حتی بی‌اعتنا به حقوق بشر هم که باشند، از سوی آنان قابل قبول خواهند بود (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۳/۰۸). رهبر معظم انقلاب بیان می‌دارند که دشمن این گونه اقدامات مقابله‌ای خود را که به نابودی ارزش‌های والای انسانی از جمله حجاب می‌انجامد، اصلاحات می‌نامند؛ هر چند که باید این نوع اصلاحات را که منجر به نابودی مرزهای اخلاقی و دینی می‌شود، اصلاحات آمریکایی دانست (خامنه‌ای، ۱۳۱۹/۰۱/۲۶)؛ چرا که طبیعت تمدن غرب بر تزویر و فریب‌کاری استوار بوده و با این فریب توانسته‌اند فرهنگ رایج خود را به کل دنیا گسترش دهند و به نام آزادی، زنان را به مرحله‌ای رسانده‌اند که امروزه بزرگترین وظیفه‌ی خود را جلوه‌گری و التذاذ هر چه بیشتر مردان از خود می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱).

زیرا سیاست راهبردی و بنیادین غرب بر عرضه شدن و هرزه شدن زنان استوار است و حجاب، نه تنها با این سیاست هماهنگ نبوده؛ بلکه مخالف آن است و از این جهت غرب با حجاب، ولو حجابی که ناشی از انگیزه و ایمان دینی هم نباشد، مبارزه می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۰۱).

۱-۲- نگاه ابزاری غرب به زن

حجاب اسلامی نمادی از معنویت است که غرب با نگاه لیبرالی و مادی‌گرایانه‌ی خود نه تنها

با معنویت مخالف بوده؛ بلکه با آن به مبارزه برخاسته؛ چرا که نگاه آنها به زن نه به عنوان یک انسان که دارای تشخص و احترام است؛ بلکه نگاهی ابزارگونه بوده که او را منبع کسب درآمد و وسیله‌ی تهییج و التذاذ مردان می‌دانند و معتقدند که زن با پوشش اسلامی، رفتار و منش اسلامی خواهد داشت؛ که در این صورت نمی‌توان بهره‌های مادی فراوانی از او اتخاذ کرد؛ بنا بر این، حجاب را سدّی در مسیر بهره‌برداری‌های سیاسی خود از زن دانسته و با آن مقابله می‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای تشویق زنان بر کشف حجاب و تبرّج در مقابل مردان را از سوی غرب، نشانه‌ای از مردسالاری آنان می‌داند؛ که این امر برخاسته از خودخواهی مردانه‌ای است که در آن، زنان را با نام آزادی به اسارت و التذاذ بصری مردان می‌برند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰)؛ و این نگاه ابزاری به زن که در فرهنگ غرب نهادینه شده، نه تنها نگاهی غلط و اهانت‌آمیز به زن بوده؛ بلکه با تغییر نام این اهانت بزرگ به نام آزادی و حقوق بشر، زن را برای بهره‌وری نامشروع مرد به خدمت گرفته‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸).

در واقع غرب باید در قبال ظلمی که به زن روا داشته، پاسخگو باشد؛ چرا که زن را به عنوان ابزاری در خدمت مردان قرار داده‌اند که علاوه بر التذاذ جنسی، وسیله‌ای برای فروش کالاهای آنان نیز محسوب می‌شود و این بالاترین اهانت ممکن به جنس زن است و در این راستا زنان مسلمان و محجّه توانسته‌اند با حفظ وقار و متانت خود به فعالیت‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و ورزشی بپردازند و این چیزی است که غرب تاب و توان تحمل آن را ندارد. چنانکه مقام معظم رهبری در میان ورزشکاران و مدال‌آوران زن و مرد این مطلب را گوشزد می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «خانم‌های ما که در میدان ورزش حاضر شدند، با وقار و متانت حاضر شدند؛ همه با حجاب اسلامی و بعضی با حجاب به خصوص اسلامی ایرانی چادر که اصلاً چادر، نماد زن ایرانی است در همه‌ی دنیا، ظاهر شدند؛ اینها خیلی با ارزش است؛ ... این‌ها نشان‌دهنده‌ی هویت انقلابی و اسلامی و ایرانی شماسست؛ این‌هاست که یک ملت را بالا می‌برد. خاضع شدن در مقابل هنجارهای تحمیلی استکبار افتخار نیست...» (۱۳۹۷/۰۹/۰۲). همچنین ایشان معتقدند، صعود زنان به مدارج بالای علمی آن هم بدون گرفتار شدن در لغزشگاه‌های بسیار لغزنده‌ای که در سر راهشان قرار دارد، حفظ حجاب است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴) و معتقدند، حجاب مسئله‌ای ارزشی و مقدمه‌ای برای رسیدن زن به مرتبه‌ی «معنوی عالی» است

(خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۰۴)؛ بنا بر این، با این تلقی از فرهنگ حجاب برای زنان نقش ابزاری زن برای مطامع سیاست‌های غربی از بین می‌رود.

۱-۳- ابزار مؤثر در بی‌دین کردن مردم از طریق بی‌حجابی و برهنگی

با توجه به اینکه غرب فرهنگ و حاکمیت لیبرالیستی و ضد دینی دارد و برای اینکه بتواند بر کشورهای اسلامی خصوصاً جامعه ایرانی تسلط داشته باشد باید یکی از شعارهای مهم اسلامی به نام حجاب را نابود کند که به تبع آن بتواند مردم را به سمت بی‌دینی سوق دهد؛ زیرا نقش تخریبی بانوان می‌تواند تربیت نکردن فرزندان و نابسامانی فعالیت‌های اجتماعی مردان را به مخاطره اندازد. چنان‌که برخی روان‌شناسان سائقه جنسی را پس از خواب و غذا به عنوان شدیدترین سائقه زیستی [سوق دهنده و محرک] بر انعکاس‌های مختلف در رفتار دانسته‌اند که برخی با توجه به همین نظریه معتقدند، در روایات اسلامی از محرک جنسی به عنوان اسلحه شیطان که بیشترین میزان فشار بر رفتار و اعمال انسان دارد، یاد آور شده‌اند (بستانی، ۱۳۹۲: ۳۲۹)؛ از این رو، پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «مَا تَرَكَتُ بَعْدِي فِتْنَةٌ أَضْرَّ عَلَى الرَّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ» بعد از من فتنه‌ای زیان‌بارتر از جنس زنان نیست (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۱۸/۲۹۹)؛ بنا بر این، رضا خان پهلوی به عنوان دست‌نشانده استعمارگران با صدور حکم کشف حجاب به دنبال فواید واهی کشف حجاب؛ از جمله سنت ملی، عدم الگوی غرب، علم‌آموزی بانوان، به دست آوردن ملکات اخلاقی و فعالیت اجتماعی پرداخته است که طبیعتاً با این مغالطات به دنبال اجرای بهتر کشف حجاب و مبارزه با دین و بی‌دین کردن مردم بود. همان‌طور که در بخشنامه‌های مختلف دوره‌ی رضاخانی همواره بر تقلیدی و غربی نبودن کشف حجاب [برای نفوذ بیشتر] تأکید شده است. در بخش‌نامه‌ی رئیس‌الوزرا و وزیر داخله در ۲۷ آذر ۱۳۱۴ آمده است: «مخصوصاً توصیه و تأکید می‌شود که... باید مأمورین گوشزد کنند که مقصود از این اقدامات تقلید صرف از اجانب نیست؛ بلکه منفعت عائله‌های ایرانی و مملکت، آن را ایجاب می‌کند که خانواده ایرانی هم، روی پایه‌ی محکم علم و دانش و ملکات اخلاقی و دولتخواهی گذارده شود» (خسونت و فرهنگ، ۱۳۷۱: ۱). در بخشنامه متحدالمال وزارت معارف به شهرستان‌ها در ۲۵ آذر ۱۳۱۴ نیز آمده

است: «امروز که این سیره حسنه قدیم احیا می‌شود، نه از راه تقلید سایر ممالک است؛ بلکه به واسطه فواید و محسنات طبیعی و اجتماعی است که این طرز لباس بنفسه دارد...» (همان: ۴).

آیت‌الله خامنه‌ای تصمیم استعمارگران را برای سلطه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در کشور بر حذف دین و علما [یکی از مصادیق آن کشف حجاب] می‌دانند و رضاخان به عنوان عامل دست‌نشانده‌ی غرب در این امر با آنان همکاری کرده و محیط‌های دانشگاهی را با دین بیگانه ساخت؛ چرا که هدف دشمن از این اقدام سوق دادن جامعه به سمت بی‌دینی بوده که این هدف با پرورش افرادی بی‌دین در مجامع علمی که در آینده سردمداران و سررشته‌داران زندگی بودند، به راحتی محقق می‌شد (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۹/۲۴)؛ هر چند تمامی ملت ایران واقعه‌ی تلخ کشف حجاب را به آسانی نپذیرفتند؛ اما به فرموده‌ی آیت‌الله خامنه‌ای متأسفانه به دلیل گذشت دو سه نسل در زیر سایه سنگین شوم خاندان پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی عده‌ای با این فرهنگ به دنیا آمده و رشد کردند؛ بنا بر این، قبح آن را نفهمیده و محیط سالم و ناب اسلامی را درک نکردند (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۹/۱۵)؛ با این وجود مردم متدین ایران در دوره‌ی رضاخانی و بعد از آن در مقابل این مفساد ایستادگی کرده و مخالفت خود را با بی‌بندوباری در روابط زن و مرد اعلام داشتند که نمونه تاریخی آن ماجرای قیام مسجد گوهر شاد و مخالفت علما است؛ اما در حکومت استعماری و استبدادی پهلوی‌ها شعایر دینی یکی پس از دیگری کم رنگ شد؛ که با پیروزی انقلاب اسلامی شعایر دینی از جمله حجاب اهمیت ویژه‌ای به خود گرفت؛ از این رو، دشمن استعماری غرب با توجه به اهمیت نقش حجاب تمام همت خود را صرف براندازی فرهنگ ملی و اسلامی حجاب کرد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای تاکتیک مبارزاتی دشمن با فرهنگ حجاب، در خلع سلاح کردن مردم است، بدین صورت که دشمن با فاسد کردن جوانان و زنان جامعه و توجه دادن آنان به شهوات و امور نفسانی، جامعه را به سوی اضمحلال و نابودی سوق می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)؛ از این رو، ایشان معتقدند که دشمن دست‌بردار نبوده و با تأسیس شبکه‌های متعدد در عرصه‌های فرهنگی و ساخت فیلم‌های مخالف حیثیت ایرانی، در پی شکستن حریم عفاف و حجاب ملت ایران است و از هیچ تلاش شبانه‌روزی در این راه فروگذار نکرده است و این را جنگ عمومی می‌دانند که باید ملت در برابر آن ایستادگی کنند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲).

۲- فواید و آثار حجاب و حیا

در این جا باید گفت خداوند به عنوان خالق انسان بهتر از هر موجودی نیازهای افراد را می‌شناسد و بر اساس آن شناخت کامل، اموری را واجب و یا حرام می‌داند که در آن واجب شرعی فواید و آثار ارزشمندی برای انسان نهفته است، واجب کردن حجاب برای زن دارای فواید و آثاری است که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری می‌توان فواید و آثار فرهنگ حجاب را به چهار قسم تقسیم کرد که عبارتند از:

۲-۱- امنیت زن و مرد

هر انسانی در طول زندگی‌اش تلاش می‌کند تا به انحاء گوناگون از حریم خصوصی خود دفاع کند و بر اساس ارزشمندی حریم، وسیله‌ی صیانت از آن نیز متفاوت خواهد بود. زنان با توجه به ارزشمندی حریم خود که تأمین کننده عفت و حیای آنان است، حجاب را وسیله و سدّی محکم در حفاظت از آن می‌دانند؛ چرا که حجاب بهتر از هر چیزی می‌تواند ساتر جلوه‌ها و زیبایی‌های زن بوده و چشم طمع نامحرم را از تعدّی به مرزهای شخصی زن بیوشاند و در این راستا امنیت زن و به طبع آن امنیت روحی و روانی مردان را در جامعه تأمین خواهد کرد. برخی روان‌شناسان در درمان اضطراب و استرس‌های خیالی [خودبیمار‌نگاری] بر جلسات «کنترل فکر» از طریق سخن‌گفتن تأکید داشته‌اند که بیماران آن نتایج مطلوبی را به دست آورده‌اند (کارنگی، ۱۳۹۲: ۲۳۷)؛ حال همین واژه کنترل فکر را می‌تواند در بستر پوشش زن به عنوان بهترین شیوه دینی و علمی برای کنترل فکر جنسی مرد و زن دانست که در اصل این حجاب و پوشش امنیت روحی و روانی مرد و زن را در خلوت و جلوت ذهن و اجتماع تضمین می‌کند. هر چه زنان برهنه‌تر در جامعه حضور پیدا کنند؛ نگاه‌ها و دغدغه‌ها بیشتر می‌شود. سخن پیامبر گرامی اسلام این دغدغه فکری را در مورد نگاه آلوده مرد به نامحرم می‌داند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِّنْ سِهَامِ إبْلِيسَ» (شعیری، بی‌تا، حدیث ۹۳/۷۳۹) نگاه بد و ریبه به نامحرم تیری زهرآگین از سوی شیطان است و کلام اباعبدالله که بیان فرمودند: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِّنْ سِهَامِ إبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمُ مِّنْ نَّظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» (برقی، ج ۱، ۱۰۹) مؤید همین مشغولیت ذهن است؛ امام معصوم

(علیه السلام) می‌فرمایند برخی نگاه‌ها حسرت طولانی را بر جای می‌گذارند و امنیت فکری مرد و زن را به مخاطره می‌اندازند. در برخی روایات به سه نوع نگاه و نظر به نامحرم به طور مطلق (اعم از پوشش و غیر پوشش) توجه داده شده است و نگاه سوم به عنوان تیر زهر آلود شیطان است؛ هر چند که نگاه دوم علاوه بر مضر بودنش مقدمه بر نگاه مسموم است که اگر بتواند در مقابل این نگاه غلبه پیدا کند، امنیت روحی و روانی یا چشیدن طعم واقعی ایمان را که بالاترین لذت است را چشیده است. از امام علی (علیه السلام) در مورد مردی که به زنان نگاه می‌کرد؛ سوال شد، ایشان کیفیت شقوق سه گانه نگاه را مطرح فرمودند؛ «سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ تَمَرُّهُ بِهِ الْمَرَأَةِ فَيَنْظُرُ إِلَيْهَا قَالَ أَوَّلُ نَظْرَةٍ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ لَا لَكَ وَ الثَّلَاثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا لِغَيْرِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ» (ابن حیون، ۱۳۸۵: ج ۲/۲) از مردی که زنان از پیش او عبور می‌کردند و او به آنها نگاه می‌کرد، سوال شد؛ امام پاسخ فرمودند: نگاه اول برای تو است [یعنی به طور طبیعی آدم نگاهش می‌افتد] و نگاه دوم بر علیه و ضرر تو است و نگاه سوم تیری زهرآلود و کشنده از سوی ابلیس است و کسی که برای خدا آن نگاه را ترک کند، خداوند به او ایمانی می‌دهد که شیرینی او را بیابد؛ از این رو، طبق همین کنترل فکر و نظر خصوصاً باتوجه به فرهنگ برهنگی غرب، رهبر معظم انقلاب اسلامی حجاب را وسیله‌ی تأمین امنیت زن و مرد دانسته که در درجه اول امنیت زن و در درجه دوم، امنیت مرد را فراهم می‌کند. ایشان معتقدند، اگر بخواهیم در جامعه و محافل علمی و دانشگاهی شاهد فعالیت و حضور پر شور زنان و مردان باشیم، باید محیطی امن برای همه‌ی اقشار جامعه فراهم سازیم که این امنیت باید به لحاظ ناموسی و اخلاقی نیز تأمین شود (خامنه‌ای، ۲۰/ ۱۲/ ۱۳۷۵)؛ از این رو، ایشان حجاب را نه تنها منافی فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی نمی‌دانند؛ بلکه یکی از فواید آن را ایجاد امنیت در جامعه عنوان می‌کنند (خامنه‌ای، ۲۶/ ۱۰/ ۱۳۶۸).

۲-۲- احترام، تکریم و تشخیص زن

فایده‌ی دیگر حجاب، تکریم و احترام مقام زن است. خداوند با اعطای حق حیات به بشر و اعطای نعمت‌های بی‌شمار الهی به انسان او را مُنعم ساخته و شرف و کرامت را به روح او نیز ارزانی داشته تا انسان با این گوهر گران‌بها بتواند مسیر کمال و سعادت را که مقتضای حکمت

الهی است، طی کند؛ بنا بر این، هر انسانی اعم از زن یا مرد فطرتاً خواستار تکریم و احترام از سوی هم‌نوعان خود است که این احترام با توجه به فرهنگ‌های متفاوت و در جوامع مختلف به اشکال گوناگون خواه غلط یا صحیح ظهور و بروز می‌کند. آیت الله خامنه‌ای حجاب را ارزشی منطبق بر طبیعت انسان می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴) و امری که مطابق با فطرت شد در اصل، تشخیص و تکریم فرد است؛ از این رو، می‌فرماید؛ حجاب زن، تکریم زن است و حجاب زنان اشراف، اعیان و رؤسا در ایران باستان و حتی دویست و سیصد سال قبل در اروپا، ناشی از احترام و تکریم آنان بوده است و از سویی زنان پست و طبقه پایین را از حجاب بی‌بهره می‌دانسته‌اند؛ بنا بر این، ایشان معتقدند اسلام با طرح مسئله حجاب، این انحصار و تبعیض را شکست. ایشان بر این باورند که غرب در قبال مغالطه و تهمت «حجاب اجباری» به اسلام و انقلاب، باید خود پاسخ بدهد که چرا «بی‌حجابی اجباری» را ترویج کرده‌اند که نتیجه آن نگاه کالایی و ابزاری به زن در عرصه شهوت است (۱۳۸۶/۱۰/۱۳). مورخ معروف فرانسوی «دکتر گوستاو لوبون» در مورد حجاب اسلامی و ارزش و احترام زن در سایه‌ی آن می‌گوید: «اسلام در بهبودی وضع زنان بسیار کوشیده است و نخستین مذهبی است که مقام زن را بالا برده و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر مقام و احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت بهتر از زنان اروپایی هستند.» (ناهدی زندی‌پژوه، حجاب و عفاف در ادب فارسی، روزنامه فارسی کیهان، ۱۳۹۵).

آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: هر چند ممکن است حجاب برای بانوان مستلزم سختی‌هایی باشد؛ اما آثار بسیار ارزشمند و عمیقی دارد و علاوه بر اینکه یک وظیفه شرعی و دینی است مایه تشخیص و افتخار است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳). حال باید دید کسانی که با شعار «حجاب اجباری» و «حجاب اسارت زن است» به میدان می‌آیند و قصد دارند با برداشتن حجاب از سر زنان، شخصیت، حرمت و کرامت را از آنان گرفته و آنها را به اسارتی به مراتب بدتر از اسارت حجاب ببرند و با نام آزادی، زنان را ملعبه‌ی دست مردان ساخته که خود این تلقین‌ها بدترین نوع اسارت برای زن است.

از این روست که مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که حجاب مایه‌ی تشخیص و آزادی زن است و برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهر بینانه‌ی مادی‌گرایان، مایه اسارت نیست؛ بلکه موجب وقار، متانت و ارزش‌گذاری زن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳).

۲-۳- کنترل غریزه‌ی جنسی

فایده‌ی دیگر حجاب کنترل امیال نفسانی است، زیبایی، زیور و حرکات اغوا کننده از جمله چیزهایی هستند که موجب تهییج مردان می‌شود و در قرآن از آن به تبرج جاهلانه زنانه تعبیر شده است (احزاب: ۳۳). از نظر آیات قرآن کریم پوشش و حجاب در اصل حاوی یک پیام مهم در سطح اجتماع به نام صیانت و حفاظت زن و مرد از شهوات است (نور: ۳۱-۳۰)؛ که به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه زن با پوشش، خود را از آزار جسمی و جنسی محافظت می‌کند (احزاب: ۵۹) به دلالت التزامی آیه کریمه مرد نیز از آسیب‌های روحی و روانی محافظت می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلرِّجَالِ مِثْلَ مَا لِرِّجَالِكُمْ وَلَا يَفْرَقُوا بَيْنَكُمْ وَلَا يَتَّبِعُوا فِي الْأُمُورِ الْأُمُورَ بِالْكِتَابِ وَالْحَقِّ بِمَا آتَىٰ وَالسَّلَامَةَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي تَخْرُجُونَ فِيهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْبَصِيصُ» (احزاب: ۵۳)؛ چنانکه در روایات اسلامی بحث نگاه آلوده گذشت؛ از نظر قرآن کریم نیز این تحرکات جنسی با نگاه طرفین زن و مرد اتفاق می‌افتد؛ بنا بر این، زن و مرد مکلف شده‌اند که در مرحله اول از نگاه هوس آلود به نامحرم برحذر باشند و در مرحله دوم از عورت‌های خود محافظت کنند (نور: ۳۱-۳۰)؛ یعنی آنها را بپوشانند که دلالت بر پوشش می‌کند تا از این طریق مهار غریزه جنسی اتفاق بیفتد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ...» (نور: ۳۱-۳۰) همچنین طبق اعجاز علمی قرآن کریم چشم چرانی (نگاه هوس آلود) از سوی مرد و زن اتفاق می‌افتد؛ زیرا تا قبل از این گمان می‌شد که زنان چشم چرانی نمی‌کنند؛ این درحالی است که اخیراً طبق گفته برخی محققان غربی زنان نیز مانند مردان، آنها را زیر نظر دارند؛ اما به خاطر دامنه وسیع دید خانم‌ها کمتر متهم به چشم چرانی می‌شوند (پیز، ۱۳۸۷/۳۶)؛ از این رو، هر دو گروه باید نگاه هوس آلود خود را کنترل کنند؛ اما طبق روایت اسلامی (چنانکه گذشت) و آیات قرآن کریم طبیعت زینت زنانه بانوان به عنوان قوه محرک اصلی چشم چرانی در مردان است. علامه طباطبایی در مورد معنای زینت زن و پوشاندن آن در آیه شریفه می‌گوید: منظور از زینت همان اظهار و آشکار کردن محل زینت زنان است نه اظهار خود زینت که گوشواره و دستبند است؛ زیرا آشکار کردن آن حرام نیست؛ اما آنچه از صورت و دو کف دست و پا که زینتش آشکار

است، نپوشاندن آن برای اجنبی بلاشکال است و آنچه که آشکار نیست و باید با حُمر (روسری) پوشیده شود، نمایاندن آن برای اجنبی حرام است و برای محارم سببی، نسبی و زنان مؤمنه بلاشکال است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱۲/۱۵-۱۱۱). به نظر می‌رسد با توجه به ظرافت و طبیعت بدن زن و به عبارتی زینت بودن بخشی از مواضع زن، تحریکات جنسی مرد پدیدار می‌شود. همچنین به نظر می‌رسد؛ شاید بتوان تعبیر لطیف آیه قرآن کریم در بیان سبقت حکم کیفری زن زانیه و مرد زانی را تأثیرگزاری و غلبه تحریک پذیری طبیعت و جنسیت زن بر مرد دانست؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «الرَّانِيَةُ وَالرَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ...» (نور: ۲)؛ از این رو، به زنان دستور داده شده است که شما مانند زنان جاهلیت نباید دلبری و تبرج کنید (احزاب: ۳۳) و باید زینت‌های غیر آشکار و تحریک آمیز خود را از نامحرمان حفظ کنید تا علاوه بر جلوگیری از آسیب خودتان، به مردان اجنبی نیز آسیب روانی وارد نکنید؛ بنا بر این، به نظر می‌رسد طبق نظر آیات قرآن کریم، نتیجه کشف حجاب زن و مرد عدم حفاظت فروج طرفین (یعنی غرق شدن در تمایلات و شهوات جنسی) باشد (نور: ۳۱-۳۰)؛ هر چند که علامه طباطبایی درباره حفظ فروج با تمسک به یک روایت معتقد است منظور از حفظ فروج همان پوشش عورت است و دلالت بر زنا و لواط ندارد یعنی زن و مرد مکلف بر پوشیدن عورت خود هستند (طباطبایی، همان)؛ اما می‌توان گفت: این مطلب منافاتی با سخنی که بیان شد ندارد؛ زیرا نتیجه کشف عورت از سوی زن و مرد و همجنس خود، هیجان شهوت است که منجر به زنا و لواط ذهنی و عملی می‌شود. چنانکه طبرسی در تفسیر این آیه همین اعتقاد را دارد؛ از این رو، در اثبات حجاب زن باید گفت: امروزه تحقیقات و پژوهش‌های چندین ساله نژاد شناسی، روان شناسی، زیست شناسی و عصب شناسی صورت گرفته، نشان می‌دهد [برخلاف تفکر لیبرال‌سیتی غرب] بین زن و مرد تفاوت روشن و آشکاری وجود دارد (پیز، ۱۳۸۷: ۱۶)؛ یکی از این تفاوت‌ها مسئله حجاب است و زنان مانند مردان نیستند، طبیعت مردان با نگاه به زنان واکنش‌های جنسی از خود نشان می‌دهد؛ چنانکه محققان در این زمینه بیان داشته‌اند که به طور کلی زنان از دیدن اندام برهنه مرد تحریک نمی‌شوند؛ اما وقتی مرد، زن برهنه‌ای را ببیند به شدت تحریک می‌شود؛ از این رو، برخی مجلات زنانه بدون توجه به این تفاوت اصرار داشته‌اند که برای زنان تصاویر رنگی و بزرگ مردان برهنه به چاپ برسانند و بر این باور بودند که احساس زنان نسبت به برهنگی مانند احساس مردان

است؛ در نتیجه این نوع مجلات در میان زنان متروک و بلااستفاده افتاد (همان: ۲۷۲). همچنین طبق اسکن‌های مغزی صورت گرفته در مورد عشق، در مناطق مغز سه نوع احساس به نام «شهوت»، «شیفتگی» و «وابستگی» ایجاد می‌شود و هر کدام از آنها ترکیب شیمیایی مغزی خاصی دارند که وقتی شخص به سوی کسی جذب می‌شود مغز را روشن می‌کنند؛ در مرحله شیفتگی، افکار مربوط به شخص مورد علاقه‌تان ذهن شما را اشغال می‌کند و به هیچ عنوان نمی‌توانید این افکار را از ذهنتان بیرون برانید و یا از شرشان خلاص شوید و مغز شما تنها روی صفات مثبت معبودتان تمرکز می‌کند و صفات و عادات بد او را نادیده می‌گیرد. محققان بر این باورند که مردان با زنان در این سه احساس به لحاظ کمی و کیفی و در ابقاء و فناء متفاوتند (ر.ک: همان: ۲۸۱)؛ همچنین در علت آن بیان داشته‌اند که آنچه مرد را تحریک به شهوات می‌کند همان بزرگی غده هیپوتالاموس و غلبه هورمون تستسترون در مردان نسبت به زنان است که مردان ۲۰-۱۰ برابر بیشتر از زنان تستسترون دارند؛ علاوه بر این دو مورد نقش اجتماع را در دامن زدن به آن نیز مؤثر دانسته‌اند (همان، ۲۳۱)؛ از این رو، در جامعه غربی عدم توجه به حجاب و ملزومات آن، چالش‌های بزرگ فردی و اجتماعی را به همراه داشته است؛ بنا بر این، رفتار زنان و پوشش‌های نامناسب آنان می‌تواند وسیله‌ی اغوا و تهییج مردان شود و حفظ حجاب و عدم اختلاط با مردان متناسب با آنچه که در دین اسلام معین و مشخص شده است، مبنایی در کنترل غریزه جنسی است که امروز نه تنها در کشورهای غربی؛ بلکه در برخی کشورهای اسلامی نیز می‌توان هجوم موجی از التذاذ بی‌حد و حصر از جنس زن را مشاهده کرد که بسیار آزاد دهنده و خانمان‌سوز است. مقام معظم رهبری برای مقابله با این خطر بزرگ، مسئله حجاب را یکی از مقدمات مقابله با این امر می‌دانند؛ چرا که ایشان دامن زدن به مسئله‌ی شهوت و زنا را به چاله‌های عظیم، عمیق و خطرناکی تشبیه کرده‌اند و کشورهایی که در این ورطه افتاده‌اند، خود نیز احساس ترس و وحشت دارند و برای خروج از این چاله‌ها و سیل عظیمی که خود به راه انداخته‌اند، دست و پا می‌زنند و به دنبال راه حل می‌گردند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۲۱). ایشان بیان می‌دارند که حجم زیادی از جنایات جنسی که امروزه در آمریکا و اروپا در حال وقوع است و بعضاً پا را فراتر گذاشته و به جنس مخالف نیز اکتفا نمی‌کند، به دلیل اختلاط بی‌قید و شرط زن و مرد و نبود حجاب در این جوامع است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰). ایشان تاکید می‌کنند که برداشتن حجاب،

مقدمه‌ای برای برداشتن عفت و حیا در جامعه اسلامی است که در نهایت منجر به اشتغال مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹). ایشان هدف از کشف حجاب زنان را در زمان رضاخان، ایجاد موجی از آسیب‌های جنسی می‌داند که رضاخان به این فاضلاب مدرنیته اکتفا نکرده و علاوه بر کشف حجاب، در نهادینه ساختن بی‌بندوباری، فساد و فحشا در ایران بسیار تلاش کرد و تا آن‌جا پیش رفت که وضع ایران در آسیب‌های اخلاقی و شهوانی به مراتب بدتر از اروپا در آن دوران گشت (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۷/۰۹). امروزه تجاوز و خشونت جنسی به عنوان یکی از چالش‌های بزرگ دنیای غرب است و می‌توان حجاب را به عنوان عامل اصلی در بازدارنده‌گی پیروی از هواهای نفسانی و کنترل گرایش جنسی دانست.

۲-۴- استحکام خانواده

خانواده نهاد اساسی و محوری در جامعه است و هسته‌ی اولیه برای سایر نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود. اگر خانواده از استحکام لازم و کافی برخوردار باشد، در واقع نظام جامعه استحکام یافته و حفظ می‌شود.

در جوامع امروزی که با عنوان جوامع صنعتی نیز از آن‌ها یاد می‌شود، ساختار خانواده سنتی به معنای خانواده سالم کمتر به چشم می‌خورد. در این جوامع زن و مرد برای کسب ثروت تلاش می‌کنند و این امر باعث شده روابط زن و مرد در جامعه گسترش یابد. اسلام برای این روابط محدودیت‌هایی از جمله حجاب و عفاف را مشخص ساخته تا در پناه آن بنیان خانواده استحکام خود را حفظ کند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی از زن به عنوان عضو اصلی و رکن اساسی خانواده یاد می‌کنند که نه تنها در خانواده؛ بلکه در جامعه نیز رکن اصلی و اساسی محسوب می‌شود و تاثیر بسزایی در رشد جامعه و مردان دارد (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۴). ایشان ضمن بیان تفاوت در روابط زن و مرد در محیط خانواده و جامعه تاکید می‌کنند، اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حائل میان زن و مرد قرار داده است حفظ شود، خانواده هرگز خراب نخواهد شد؛ چرا که فرهنگ اسلامی را فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۷/۲۰). تلقی بی‌حجابی، درست بر عکس تمهید دین اسلام و فطرت زن است؛ زیرا خداوند به دلیل جاذبه‌های وجودی زن و برای در امان ماندن از نگاه‌ها و توجه نامحرمان به او در اجتماع، حجاب را واجب

کرده است، تا بدین طریق زن بدون دغدغه‌ی روانی و در کمال آرامش، در جامعه حضور یابد و به فعالیت اجتماعی بپردازد؛ اما در بیشتر کشورهای اروپایی و غربی، با وجود پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی مدرن، این کشورها از درون توخالی‌اند و بنیان خانواده در آنها سست و ناپایدار است و عملاً کشورهای موفق در زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی نیستند؛ از این رو، آیت الله خامنه‌ای خیل عظیم احکام مربوط به زن و مرد، محرم و نامحرم و حجاب از سوی خداوند را برای حفظ و پاسداری از محیط امن و با محبت خانواده می‌دانند که این امر نیز موید اهمیت خانواده در جامعه است. ایشان بر لزوم رعایت حجاب از سوی بانوان برای استحکام خانواده تاکید کرده و از زنان می‌خواهند با حفظ حجاب اسلامی و بدون آرایش‌های گوناگون در جامعه حضور یابند و مردان نیز از نگاه به نامحرم چشم‌پوشند که در غیر این صورت جاذبه‌های همسرانشان که منشأ ایجاد محبت میان زن و مرد است، از بین خواهد رفت و با نابودی محبت بنیان خانواده فرو خواهد ریخت (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۳/۲۰). ایشان مهمترین دستاورد ورود زن غربی به منجلاب فساد را نابودی خانواده می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹).

باید دانست که با فروریختن بنیان خانواده بزرگترین ضربه متوجه زنان و کودکان خواهد شد؛ بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، آمار تاسف‌بار تجارت و قاچاق زنان در کشورهای مختلف از جمله رژیم صهیونیستی گویای این امر است که با جدا کردن زنان و دختران از آغوش خانواده‌ها، آنان به آغوش هرزگی و بی‌بند و باری سپرده شده‌اند و کودکان نامشروع نیز در این میان دستاوردی دیگر از فروپاشی بنیان خانواده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۰۱). جیمز پرسکات انسان‌شناس معروف و پیشگام مطالعات تربیت اطفال و خشونت، دریافت که خشونت در جوامعی که کودکان به ندرت مورد ناز و نوازش قرار می‌گیرند در بالاترین میزان خود است کودکانی که با محبت بزرگ می‌شوند از سلامت روحی و جسمی بهتری برخوردارند و در بزرگسالی شادتر خواهند بود؛ بنا بر این، اغلب متجاوزان جنسی و کودک آزارها، در کودکی از جانب خانواده‌های خود طرد شده و یا دوران کودکی‌شان را در پرورشگاه‌های پرت و دور افتاده گذرانده‌اند (ر.ک: پیز، همان، ۴۷). این تحقیقات نشان می‌دهد که با فروپاشی خانواده‌ها که یک عامل آن برهنگی و بی‌حجابی زنان است، کودکان زانی و غیر زانی با مشغولیت‌های جنسی والدین و طلاق آنان دچار خسارت‌های جدی شده‌اند؛ بنا بر این، اولین و آخرین گام آرامش و استحکام خانواده همان حجاب و حفظ محدودیت‌ها است که نه تنها محدودیت برای زنان نبوده؛ بلکه مصونیتی خواهد بود که

مهمترین و بزرگترین ثمره‌ی آن استحکام بنیان خانواده توسط زنان محجه و نقش تربیتی سالم و همسرداری محترمانه و معقول است.

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر چنین است که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ حجاب نمادی از معنویت است که غرب با نگاه مادی‌گرایانه خود نه تنها با آن به مبارزه برخاسته؛ بلکه تمام تلاش خود را در راستای نابودی آن در مجامع جهانی به کار گرفته تا بدین وسیله با نابودی بنیان خانواده به گسترش فساد در جوامع و کنترل آنها بپردازد. در واقع مستکبرین غربی فرهنگ منحط خود را استاندارد جهانی دانسته و متعصبانه در جهانی ساختن آن می‌کوشند. آنان با توجه به نگاه ابزاری که به زن دارند، فرهنگ حجاب را مانع کسب درآمد از زنان می‌دانند؛ بنا بر این، با صرف هزینه‌های هنگفت و به‌کارگیری نیروهای متخصص بر اشاعه‌ی بی‌حجابی تلاش می‌کنند.

این تهاجم فرهنگی علیه فرهنگ حجاب در ایران، از دوره‌ی مشروطه و پهلوی با حکومت‌های استعماری و غربزده و اشعار شاعران خودفروخته آغاز شد و در دوران بعد ریشه دواند خصوصاً با حکم کشف حجاب رضاخان پهلوی فرهنگ بی‌حجابی و برهنگی علنی گشت؛ اما علمای راستین خصوصاً امام خمینی (ره) همواره به مبارزه با این فرهنگ منحط پرداخته‌اند؛ از سویی پس از انقلاب اسلامی نیز نقش آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین و دفاع از فرهنگ حجاب ملی و اسلامی بسیار مهم و مؤثر بوده است؛ زیرا در این دوره، با وجود تفکرات غربزده‌های داخلی و حکومت لیبرالی نظام سلطه، هجمه‌های وسیع تبلیغاتی و ماهواره‌ای علیه فرهنگ حجاب صورت گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای فرهنگ حجاب را علاوه بر این که از سوی خداوند به عنوان حکمی شرعی معرفی می‌کنند؛ نمادی ملی و اسلامی می‌دانند و معتقدند حجاب نقش بازدارندگی در کنترل شهوات و غرایز جنسی دارد که موجب استحکام بنیان خانواده و در نهایت منجر به سلامت جامعه و امنیت روانی زن و احترام و تکریم او می‌شود. حال با توصیف معقولی که از حجاب و عفاف بیان شد، می‌توان گفت تلقی حجاب اجباری فریب و نیرنگ استعمارگران غرب و فریب خورده‌گان غربزده و لیبرالی است؛ زیرا آنچه که مفید و مصلحت است، مطابق قانون فطرت و عقل است و پذیرش این امر موجب اجبار شدن آن نمی‌شود؛ بلکه انتخاب آگاهانه مطابق با فطرت و

عقل و شرع است؛ زیرا بی‌حجابی و برهنگی علاوه بر اینکه می‌تواند بنیان خانواده را تضعیف کند، کرامت و امنیت زن را در فعالیت‌های فردی و اجتماعی به چالش می‌کشاند و جنس مرد را از فعالیت‌های عبادی و اجتماعی بازداشته و دچار آسیب‌ها و اختلال‌های جسمی و روانی می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان چاپ: چهارم.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ: سوم.

ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق)، *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام*، قم، چاپ: دوم، مؤسسه‌ی آل‌البت علیهم السلام.

آرین پور، یحیی، (۱۳۷۹)، *از نیما تا روزگار ما*، چاپ سوم، تهران: زوار.

آشوری، داریوش، (۱۳۵۷)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا.

برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیة، چاپ: دوم.

برومند سعید، جواد، (۱۳۸۲)، *فرهنگ ریشه‌یابی و کاربرد در زمانی آن*، مرکز کرمان‌شناسی، چاپ اول، کرمان.

بهار (ملک الشعراء)، محمدتقی، (۱۳۸۱)، *دیوان / شعار*. تهران: علم.

بستانی، محمود، (۱۳۹۲)، *اسلام و روانشناسی*، ترجمه محمود هوشیتم، مشهد، چاپ پنجم، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

بیز، باربارا و آلن، (۱۳۸۷)، *چرا مردان گوش نمی‌دهند و زنان می‌توانند نقشه بخوانند*، مترجم ناهید رشید و نسرین گلدار، تهران، نشر آسیم.

تامپسون، جان، ب، (۱۳۷۸)، *ایدئولوژی و فرهنگ مدرن*، ترجمه، مسعود اوحدی، تهران، آینده پویان.

جعفری، محمد تقی، (۱۳۸۶)، *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو*، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ سوم، تهران.

حلبی شافعی، علی بن ابراهیم، (بی‌تا)، *السیرة الحلبیه*، ج ۲، بیروت: المكتبة الاسلامیه.

دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۷۸)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، ج ۲، تهران: اقبال.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، فرهنگ دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

راغب أصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات أَلْفَاظ القرآن، بیروت - دمشق، دار القلم - الدار الشامیة، چاپ: اول.

رزمجو، حسین، (۱۳۶۹)، شعر کهن در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.

شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار، چاپ: اول، مطبعة حیدریة - نجف.

ضیاء پور، جلیل، (بی تا)، پوشاک باستانی ایرانیان، تهران: اداره کل موزه‌ها.

طباطبایی سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، چاپ: سوم، انتشارات ناصر خسرو.

عشقی، میرزاده، (۱۳۵۷)، کلیات مصور عشقی. تصحیح علی اکبر مشیر سلیمی. تهران: علمی.

فردوسی، ابوالقاسم، (۱۹۷۱م)، شاهنامه، تصحیح آ. برتلس، مسکو، آکادمی علوم اتحاد شوروی، ج ۹.

فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، مؤسسه دار الهجرة قم، چاپ: دوم.

لاهوئی، ابوالقاسم، (۱۳۵۷)، کلیات ابوالقاسم لاهوئی. به کوشش بهروز مشیری. تهران: توکا.

مدیریت پژوهش انتشارات و آموزش سازمان اسناد ملی ایران، (۱۳۷۱)، خشونت و فرهنگ (اسناد کشف حجاب).

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، یادداشت‌های استاد، ج ۶ نرم افزار نور مطهر، تهران: انتشارات صدرا.

نسیم شمال، (حسینی گیلانی، سیداشرف الدین)، (۱۳۷۱)، کلیات جاودانه نسیم شمال. به کوشش حسین نمینی. تهران: اساطیر.

دیل، کارنگی، (۱۳۹۲)، آیین زندگی، ترجمه قدیر گلکاریان، تهران، انتشارات تیموری.

هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم، الهادی، چاپ: اول.

فهرست مقالات

ابراهیمی، عزت ملا، توکلی محمدی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی-نقدی درون‌مایه‌های شعر زنانه در عصر مشروطه»، نشریه زن در فرهنگ و هنر دانشگاه تهران، دوره ۷، شماره ۱، صفحه ۷۷-۹۷.

زندى‌پژوه، ناهید، حجاب و عفاف در ادب فارسی، روزنامه فارسی کیهان، سال هفتاد و چهارم، شماره ۲۱۵۴۲ کد خبر: ۹۵۷۷۴، ۱۳۹۵/۱۱/۲.

منابع دیجیتال و اینترنتی

خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، www.khamenei.ir
شبکه اطلاع‌رسانی هرمز www.hormoz.ir